

حقوق مالکیت ادبی حاکم بر نتایج طرح‌های پژوهشی در ایران

صفر بیگزاده آروق*^۱

استادیار، گروه پژوهشی اخلاق و حقوق اطلاعات، پژوهشکده جامعه و اطلاعات،
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، تهران، ایران

مدیریت
اطلاعات

دوره ۹، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

چکیده: این مطالعه با هدف تبیین مقررات و ضوابط حاکم بر مالکیت طرح‌های پژوهشی انجام شده است و ضمن بررسی قوانین و مقررات موجود در ایران، به فراخور مطالب و موضوعات، اقدامات و راه‌کارهای سایر کشورها را نیز در این باره بررسی کرده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و کوشش شده که در مقام توضیح و تبیین مطالب، موضوعات مربوط از نگاه تطبیقی نیز بررسی شوند. نتایج نشان می‌دهد که به‌رغم ضرورتی که احساس می‌شود، نظام قانون‌گذاری ما تاکنون به این موضوع به‌شکل دقیق و ویژه توجه نکرده است و در نتیجه تعیین مالکیت فکری آثار دانشگاهی، به دو وزارتخانه مرتبط با این امر (وزارت عتف و وزارت بهداشت) واگذار شده است که نتیجه آن، تدوین و تصویب دو مقرر در این باره است. البته این دو مقرر نیز نتوانسته‌اند در این باره شفافیت ایجاد کنند و با ابهامی که دارند، راه را برای دانشگاه‌های کشور به‌منظور تعیین خودسرانه حقوق خود باز گذاشته‌اند. بر پایه این وضعیت، از سویی حقوق فکری اعضای هیئت‌علمی همچنان نامشخص است و از سوی دیگر، ناهماهنگی در تعیین سهم مالکیت ادبی دانشگاه‌های مختلف ایران کاملاً به چشم می‌خورد. پیشنهاد مشخص این پژوهش، ورود مجلس به این موضوع و قانون‌گذاری دقیق در این باره است.

کلیدواژه‌ها: اثر دانشگاهی، ایران، عضو هیئت‌علمی، مالکیت فکری.

مقدمه

در جهان کنونی، دانش دانشگاهی و البته دانشگاهیان بیش از هر زمان دیگر با مقوله مالکیت فکری عجین و درگیر شده‌اند و حقوق مالکیت فکری، از زیرساخت‌های نظام ملی نوآوری و بخش جدایی‌ناپذیر از راهبری سیاست‌گذاری حوزه علم و فناوری شمرده می‌شود (Nelsen, 1998). «امروزه دارایی‌های فکری، ارزشمندترین دارایی شرکت‌ها در هزاره جدید محسوب می‌شوند. در حال حاضر، ۹۷ درصد از ارزش کل دارایی‌های شرکت مایکروسافت را دارایی‌های فکری و ۳ درصد بقیه را ساختمان و تجهیزات و غیره تشکیل می‌دهد و افزایش سهم دارایی‌های ناملموس به ملموس، یکی از شاخص‌های شرکت‌های موفق دنیا است» (Ministry of Health and Medical Education, 2019).

از سوی دیگر، یکی از زیرساخت‌های اصلی در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان در کشورها، نظام حمایت از مالکیت فکری است؛ زیرا بدون حمایت از دستاوردهای فکری بشر و ترس پژوهشگران و نخبگان از بهره‌برداری غیرقانونی از آثارشان، امکان رشد و توسعه دانش و فناوری پدید نمی‌آید» (گودرزی و اسماعیلی، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه تأمین مالی تحقیقات از بودجه عمومی در کشورها در حال توسعه، رشد و فراوانی بیشتری دارد و عمده تحقیقات با استفاده از بودجه عمومی صورت می‌پذیرد، موضوع مالکیت و نحوه بهره‌برداری از نتایج این تحقیقات، اهمیت بسیار زیادی دارد. این امر هم از جهت مالکیت فکری و حقوق پدیدآورندگان و هم از لحاظ مدیریت دانش اموال فکری اهمیت دارد و ضروری است که بیشترین بهره اقتصادی نصیب جامعه و عموم مردم شود. با توجه به این امر و عنایت به شاخص شدن و توجه عمده به شرکت‌های دانش‌بنیان در سال‌های اخیر در کشور و نیز التفات ویژه به تجاری دستاوردهای پژوهشی، «تبیین خط‌مشی و ضوابط مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی، از جمله الزامات موفقیت در تجاری‌سازی نتایج تحقیقات است» (Vice Presidency for Innovation and Technology, 2023).

در ایران، مقررات ناظر بر تبیین و پاسداری از حقوق مالکیت فکری به شکل جامع هنوز تدوین نشده (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹) و مقررات موجود، آن هم در کنار شمار ناکافی حقوق‌دانان، قضات و وکلای متخصص در این رشته از حقوق، کار را به بی‌توجهی به حقوق صاحبان آثار و گاه به همانندسازی آن با مالکیت اموال در نظام حقوق مدنی کشانده و راه تفسیرهای نادرست و مسئله‌ساز را باز کرده است. برخلاف کشور آمریکا، ژاپن، هند یا آفریقای جنوبی که درباره وضعیت مالکیت آثار پژوهشی مقررات مشخصی دارند، در کشور ما قواعد حاکم بر مالکیت فکری اثر پژوهشی را باید از دل مقررات عام مربوط به مالکیت فکری برداشت کرد و در حوزه پژوهش‌ها و تحقیقات دانشگاهی با آنکه حتی در بند ۶-۵ از «سیاست‌های کلی نظام علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)» (ابلاغی ۱۳۹۳/۶/۲۹) بر «حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط» اشاره شده است؛ اما از تاریخ ابلاغ این سیاست‌ها تاکنون، به‌جز تصویب «خط‌مشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی» هیچ اقدام درخور توجه و جامعی در این باره صورت نگرفته است.

با توجه به مشخص نبودن وضعیت مالکیت آثار دانشگاهی، از منظر حقوق مالکیت فکری در ایران و البته نتایجی که این ابهام و تیرگی بر فضای پژوهش خواهد داشت، از سویی برداشت‌های متفاوت و گوناگون و البته سهم‌خواهانه‌ای از برخی مراکز پژوهشی صورت گرفته و می‌گیرد و از سوی دیگر، اقبال و جدیت اعضای هیئت علمی در آفرینش آثار دانشگاهی رنگ و بوی لازم را نخواهد داشت. با این وصف، در مقاله کنونی، هدف اصلی بازنمایی مقررات عام حاکم بر مالکیت فکری و به‌طور خاص، در حوزه مالکیت ادبی و ارائه تصویری روشن از حقوقی است که اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌شکل بالفعل و بالقوه، بر اثر انجام طرح‌های پژوهشی دارند و باید داشته باشند.

پیشینه پژوهش

حسب شاخه‌های گوناگون حقوق مالکیت فکری، نتایج طرح‌های پژوهشی را می‌توان در دو شاخه مالکیت ادبی و هنری، و مالکیت صنعتی دسته‌بندی و تبیین کرد. یک پژوهش انجام شده درباره بررسی‌هایی که در حوزه مالکیت فکری صورت گرفته، نشان می‌دهد که مطالعات این حوزه بیشتر به واکاوی و شناخت مالکیت صنعتی اختصاص دارد و مطالعات صورت گرفته در مورد مالکیت ادبی و هنری در «مرحله آشنایی (جنینی)» است (گودرزی، خطیبی و خلیل‌زاده، ۱۳۹۳). علت ابتدایی توجه به موضوع مالکیت فکری آثار پژوهشی دانشگاهی، عواید مادی حاصل از پژوهش‌هایی بود که یا در دانشگاه‌ها انجام شده بودند یا دانشگاه‌ها و دانشگاهیان در قراردادهای تقاضامحور، به سفارش بخش صنعت انجام داده بودند و در کساکش تعیین سهم مالکیت فکری، دانشگاه‌ها یا دولت‌ها که عمدتاً هزینه‌های دانشگاهی دولتی را پرداخت می‌کنند، تلاش می‌کردند تا سهمی از عواید حاصل از نتایج را نصیب خود کنند. به سخن دیگر، به نظر، اولاً در همه موارد، بحث درباره مالکیت معنوی، در درجه اول اهمیت قرار ندارد و ثانیاً در قالب موارد، بحث در حوزه مالکیت صنعتی، به‌ویژه حق اختراع، بالا گرفته و به تدوین مقررات مختصر یا مفصل انجامیده است؛ همچنان که حتی «وایپو» نیز هدف از تعیین سیاست‌های حاکم بر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی را «مدیریت مالکیت فکری و انتقال فناوری» می‌داند (World Intellectual Property Organization, 2023).

«۶۳ درصد از صاحب‌ه‌شوندگان در مطالعه جامع مؤسسه دارایی صنعتی فرانسه (۲۰۱۳) مالکیت فکری را به‌عنوان اهرمی برای نوآوری مشارکتی معرفی کرده و مدیریت اثربخش آن را فرصتی برای خلق ارزش از دارایی‌های فکری حاصل از پژوهش‌ها و ایجاد اعتماد میان همکاران می‌دانند» (ندیرخانلو، گودرزی، موسوی، ابویی اردکان و قاضی نوری، ۱۴۰۰).

با این توضیح، ارائه پاسخ به این پرسش که «مالک اثر دانشگاهی کیست؟» نیز سخت است و مسائل بسیار دیگری را مطرح می‌کند. برای نمونه، اینکه اثر دانشگاهی تحت کدام ترتیبات قراردادی و با کدام یک از مؤسسه‌های پژوهشی آفریده شده است، علاوه‌براین، پرسش فقط این نیست که «یک دانشگاه به‌طور قانونی می‌تواند مدعی چه حقوقی شود»، بلکه همچنین این است که «یک دانشگاه باید مدعی چه حقوقی

شود (George Mason University, 2008). تصویب قانون بای - دال^۱ در آمریکا را شاید بتوان یکی از کوشش‌های مربوط برای ایجاد توازن میان بازیگران آفرینش اثر فکری، به‌ویژه در حوزه مالکیت صنعتی (حق اختراع) دانست که در بسیاری از کشورها، از جمله ژاپن، آفریقای جنوبی، نروژ (Hvide & Jones, 2018)، هند، آلمان، اتریش، فنلاند و دانمارک، به‌عنوان یک الگو پذیرفته و پیروی شده است. در نروژ با آنکه پیش‌تر بر پایه قاعده «امتیاز استاد»، همه امتیازهای اختراعات و پژوهش‌های دانشگاهی، به دانشگاه تعلق نداشت، پس از پیروی از قانون بای - دال، دوسوم حقوق مادی مربوط به دانشگاه‌ها اختصاص یافت (Hvide & Jones, 2018) و متعاقب آن، دانشگاه‌ها به‌سوی ایجاد دفاتر تجاری‌سازی گام برداشتند که نمونه آن در نروژ، «دفاتر انتقال فناوری»^۲ است.

در حقوق فرانسه، مالکیت فکری آثاری که مأموران یا کارمندان دولت در حدود وظیفه سازمانی خود انجام می‌دهند، به اداره و سازمان متبوع آنان تعلق دارد و شورای دولتی فرانسه هم این موضوع را تأیید کرده است؛ اما حقوق مادی و معنوی مربوط به آثاری که آنان در بیرون از ساعات موظف سازمانی و فارغ از وظایف خود انجام می‌دهند، بر طبق قواعد عام حاکم بر حقوق مالکیت فکری، به خودشان تعلق دارد (زرکلام، ۱۳۹۸). حقوق انگلستان، بند ۲، ماده ۱۱ قانون کپی‌رایت طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸^۳، در این باره می‌گوید: «هرگاه یک اثر ادبی، نمایشی، موسیقایی یا هنری، یا یک فیلم، از سوی یک مستخدم (کارمند) در طول دوره استخدام (اشتغال) او ساخته شده است، کارفرمای او، اولین مالک هرگونه کپی‌رایت مربوط به آن اثر است؛ مگر آنکه به‌گونه‌ای دیگر توافق شده باشد». بر پایه مفاد این بند که در رویکرد مالکیت فکری غالب دانشگاه‌های انگلستان پذیرفته شده است، «کپی‌رایت هرگونه سخنرانی، کتاب، موسیقی، یادداشت پژوهشی و دیگر آثار ایجاد شده از سوی مستخدمان دانشگاهی در دوره استخدام (اشتغال) آنان، همراه با هرگونه روش نوآورانه یا محصولی که ابداع می‌کنند»، به دانشگاه تعلق دارد (Pila, 2010). در حقوق استرالیا نیز به‌عنوان قاعده مفروض، هرگاه فرد دانشگاهی در خلال ساعات کاری و بنا بر دستورهای دانشگاه، فعالیتی کند که به خلق اثر منجر شود، مالکیت فکری آن به دانشگاه تعلق دارد؛ هرچند که این قاعده، بر پایه سیاست مالکیت فکری دانشگاه قابل تغییر است (Reid, 2004).

بر طبق سیاست مالکیت فکری مصوب در دانشگاه ملبورن، دانشگاه تمام دارایی‌های فکری را به مبتکر بازپس می‌دهد، به‌جز مالکیت فکری که بر اساس توافق با شخص ثالث آفریده و ایجاد شده است (University of Melbourne, 2022). البته ایجادکننده در واگذاری مالکیت فکری با محدودیت‌هایی روبه‌رو است و دانشگاه حق دارد از هرگونه درآمد حاصل از بهره‌برداری از دارایی فکری سهمی داشته باشد. بر طبق سیاست مالکیت فکری دانشگاه کوپینزلند، دانشگاه مالک تمام مالکیت فکری، جز کپی‌رایت «آثار علمی» است که شامل آثار مبتنی بر بورسیه، یادگیری یا تحقیق دانشگاهی است؛ اما مواد آموزشی را شامل نمی‌شود (University of Queensland, 2021). بر طبق سیاست مالکیت فکری دانشگاه جنوب استرالیا، دانشگاه دارای همه مالکیت فکری، جز کپی‌رایت «برون دادهای علمی متعارف» است که مصادیق

1. The Bayh-Dole Act or Patent and Trademark Law Amendments Act (December 12, 1980)

2. Technology Transfer Offices (TTOs)

3. Copyright, Designs and Patents Act 1988 (C.D.P.A)

آن عبارت‌اند از «انتشارات دانشگاهی، مقاله‌های مجله‌ها، ارائه، مقاله‌ها، نقاشی‌ها، کتاب‌ها و سایر آثار خلاقانه» (University of South Australia, 2016)؛ اما مواد درسی را شامل نمی‌شود. بر طبق سیاست مالکیت فکری دانشگاه سیدنی، دانشگاه دارای همه مالکیت فکری، به‌جز کپی‌رایت مقاله‌های مجله‌ها، مقاله‌های کنفرانس، آثار خلاقانه و مقاله‌ها یا متون است. بر طبق سیاست مالکیت فکری دانشگاه تاسمانیا، دانشگاه دارای کلیه مالکیت فکری، جز کپی‌رایت در «آثار علمی» به‌عنوان «معنای طبیعی» آن است و برای نمونه عبارت است از: کتاب‌های علمی، فصل‌های کتاب، مقاله‌های مجله‌ها، مقاله‌های کنفرانس، کتاب‌های درسی، آثار هنری یا سایر آثار دانشگاهی است؛ اما مواد درسی را شامل نمی‌شود (University of Tasmania, 2018). بر طبق سیاست مالکیت فکری دانشگاه غرب استرالیا، فرد دانشگاهی دارای همه کپی‌رایت، به‌جز برنامه‌های رایانه‌ای است و دانشگاه مالک همه گونه‌های دیگر مالکیت فکری است (Reid, 2004).

در قوانین ایران، تصریح قانونی درباره آثار ادبی که مأموران یا کارمندان دولت در حدود وظیفه سازمانی خود انجام می‌دهند، وجود ندارد؛ اما ماده ۶ قانون حمایت پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴) می‌گوید: «پدیدآوردن نرم‌افزارها، ممکن است از استخدام یا قرارداد نشئت بگیرد. در این صورت:

الف: باید نام پدیدآورنده توسط متقاضی ثبت به مراجع یاد شده در این قانون به‌منظور صدور گواهی ثبت، اعلام شود؛

ب) اگر هدف از استخدام یا انعقاد قرارداد، پدیدآوردن نرم‌افزار مدنظر بوده یا پدیدآوردن آن جزء موضوع قرارداد باشد، حقوق مادی مربوط و حق تغییر و توسعه نرم‌افزار، متعلق به استخدام‌کننده یا کارفرما است، مگر اینکه در قرارداد به‌صورت دیگری پیش‌بینی شده باشد».

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر مالکیت صنعتی بوده است؛ در حالی که مالکیت ادبی و هنری، هنوز در مرحله آشنایی اولیه قرار دارد. این اولویت، از عواید مادی پژوهش‌های دانشگاهی و اهمیت آن‌ها در روابط دانشگاه‌ها، دولت‌ها و صنایع ریشه دارد. برای نمونه، قانون بای - دال در آمریکا و پذیرش آن در کشورهایمانند نروژ، ژاپن و دانمارک، نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل در مالکیت صنعتی است. در نظام‌های حقوقی مختلف، مالکیت فکری آثار دانشگاهی تابع مقرراتی است که میان حقوق دانشگاه، پژوهشگر و مؤسسه‌ها تفاوت قائل می‌شود. در فرانسه، آثار کارمندان در حدود وظایف سازمانی متعلق به سازمان متبوع است. در انگلستان، آثار پژوهشگران دانشگاهی، به‌طور عمده به دانشگاه تعلق دارد، مگر توافق دیگری صورت گیرد؛ اما در استرالیا، سیاست مالکیت فکری دانشگاه‌ها متغیر است و حقوق مالکیت پژوهشگران تنها در شرایطی خاص محفوظ است. در ایران، قوانین به‌طور مشخص، آثار ادبی و هنری کارکنان دولت را شفاف‌سازی نکرده‌اند؛ اما در مورد نرم‌افزارها تصریح شده است که حقوق مادی به کارفرما تعلق دارد. این تنوع رویکردها نشان می‌دهد که تعادل میان حقوق آفرینشگر و نهادها، همچنان موضوعی چالش‌برانگیز است.

از سوی دیگر، پژوهش‌ها در حقوق مالکیت فکری، نشان‌دهنده توجه محدود به مالکیت ادبی و هنری، به‌ویژه در مراحل پیشرفته‌تر است. خلأ اصلی در این زمینه، نبود الگوهای شفاف و جامع برای مدیریت حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام‌های حقوقی مختلف است. رفع این خلأها، به پژوهش‌هایی نیاز دارد که به تدوین چارچوب‌های حقوقی جامع برای تعیین حقوق مادی و معنوی مالکیت ادبی و هنری در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌ها پژوهشی بپردازند. بررسی تطبیقی سیاست‌های مالکیت فکری کشورهای پیشرو، مانند استرالیا و انگلستان، می‌تواند به ارائه پیشنهاد‌های مناسب برای ایران کمک کند. پژوهشی با تمرکز بر مالکیت ادبی و هنری در پروژه‌های تقاضامحور و بررسی تعادل میان حقوق دانشگاه، پژوهشگر و سازمان‌های حامی می‌تواند این شکاف‌ها را برطرف کند.

روش‌شناسی پژوهش

روش بررسی در این طرح، همچون غالب پژوهش‌های حقوقی، توصیفی - تحلیلی است؛ بدین گونه که در آغاز، داده‌های لازم بر پایه مطالعات اسنادی (از نوع کتابخانه‌ای) گردآوری و آنگاه بر اساس اصول و قواعد حقوقی پذیرفته‌شده، توصیف و تحلیل (تفسیر و تبیین) شده‌اند. داده‌های لازم در این پژوهش، از میان کتاب‌ها و مقاله‌های حقوقی و همچنین، متون قانونی و لازم‌الاجرای داخلی یا خارجی به‌دست آمده‌اند. از این رو، ضمن بررسی قوانین و مقررات موجود در ایران، به فراخور مطالب و موضوعات، اقدامات و راهکارهای سایر کشورها نیز در این باره بررسی شده است.

با توجه به قید «مالکیت ادبی»، آن دسته از طرح‌های پژوهشی که نتایج آن‌ها در حوزه «مالکیت هنری» یا «مالکیت صنعتی» قرار می‌گیرد، از موضوع بررسی پژوهش کنونی بیرون هستند.

یافته‌های پژوهش

تعریف طرح پژوهشی

طرح پژوهشی در ذیل عنوان عام «اثر دانشگاهی» (آفرینش فکری دانشگاهی) قرار می‌گیرد. اثر دانشگاهی این‌گونه تعریف شده است: «آفرینش‌های فکری دانشگاهی به آثاری اطلاق می‌شود که با مشارکت دانشگاه و اساتید دانشگاه و دانشجویان و کارمندان دانشگاه در قالب ضوابط و معیارهای مشخص و معین پدید می‌آید» (رضایی، ۱۳۹۰). در این تعریف، دست‌اندرکاران ایجاد اثر، همگی به‌گونه‌ای از منابع مالی دانشگاه بهره می‌برند.

در قوانین و مقررات کشور ما «طرح» و «طرح پژوهشی» این‌گونه تعریف شده است:

الف) طرح: «پروژه» پژوهشی، مطالعاتی یا فناورانه که از محل منابع عمومی یا سایر منابع تأمین اعتبار می‌شود» (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۲)^۱؛

۱. مجموعه قوانین ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۷۴۱، آیین‌نامه اجرایی بند «ت» ماده ۶۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۷/۸/۶ هیأت وزیران، ماده ۱، بند «ث».

ب) طرح‌های پژوهشی: «آن دسته از پژوهش‌های سفارش شده از سوی دستگاه‌ها که توسط پژوهشگر حقیقی یا حقوقی انجام می‌گیرد»^۱.

روشن است که این دو تعریف، به‌رغم آنکه از سوی قانون‌گذار ارائه شده‌اند، نه جامع‌اند و نه مانع و از این‌رو، از آنجا که موضوع پژوهش کنونی بر «طرح پژوهشی» تمرکز است، ارائه تعریفی دقیق و در عین حال، حقوقی از این اصطلاح ضرورت دارد.

طرح پژوهشی را بر سه پایه می‌توان تعریف کرد: ۱. بر پایه پژوهشگر؛ ۲. بر پایه آنچه پژوهش می‌شود؛ ۳. بر پایه او که پژوهش را می‌خواهد یا سفارش می‌دهد.

۱. بر پایه پژوهشگر، طرح پژوهشی عبارت از هر پژوهشی است که پژوهشگر (حقیقی یا حقوقی) بر پایه یک طرح‌نامه مصوب انجام می‌دهد؛

۲. بر پایه آنچه پژوهش می‌شود، طرح پژوهشی عبارت از یک فعالیت علمی پژوهشی است که بر پایه طرح‌نامه مصوب انجام می‌شود؛

۳. بر پایه او که پژوهش را می‌خواهد یا سفارش می‌دهد، طرح پژوهشی عبارت است از فعالیت علمی پژوهشی است که در قالب طرح‌نامه مصوب برای یک شخص حقیقی یا حقوقی انجام می‌شود.

در هر سه تعریف بالا، طرح‌نامه یا پروپوزال: «سندی است که یک پروژه پژوهشی را عموماً در یک حوزه علمی و خطاب به یک نهاد علمی پیشنهاد می‌کند و حاوی درخواست حمایت مالی از آن پژوهش است و بخش‌های آتی را دربردارد: ۱. عنوان؛ ۲. بیان مسئله؛ ۳. روش‌شناسی؛ ۴. پیشینه تحقیق؛ ۵. گام‌ها و مراحل؛ ۶. نتایج قابل حصول» (McCombes & George, 2022).

نگاهی به هر سه تعریف ارائه‌شده نشان می‌دهد که وجود «فعالیت پژوهشی»، «پژوهشگر»، «پژوهش‌خواه» و «طرح مصوب» لازمه تعریف طرح پژوهشی است. با این وصف، اگر بخواهیم تعریفی عام‌تر ارائه کنیم که این موارد را نیز شامل شود، می‌توان گفت: «طرح پژوهشی، فعالیتی پژوهشی است که پژوهشگر، اغلب در برابر دریافت حق‌الزحمه و گاه رایگان در قالب طرح پژوهشی برای شخص حقیقی یا حقوقی انجام می‌دهد». اگر در این تعریف، عبارت «نهاد علمی یا اجرایی یا دانشگاهی» را جانشین «شخص حقیقی یا حقوقی» کنیم، نتیجه حاصل، تعریف طرح پژوهشی علمی یا اجرایی یا دانشگاهی است: «طرح پژوهشی، فعالیتی پژوهشی است که پژوهشگر غالباً در برابر دریافت حق‌الزحمه و گاه رایگان در قالب طرح‌نامه برای نهاد علمی یا اجرایی یا دانشگاهی انجام می‌دهد».

با در نظر گرفتن این تعریف عام، اگر تعریف طرح پژوهشی موظف عضو هیئت علمی مدنظر باشد، تعریف را به شکل خاص باید به این شکل ارائه کرد: «فعالیتی پژوهشی که پژوهشگر دارای مرتبه دانشگاهی [= عضو هیئت علمی پژوهشی] در قالب طرح‌نامه برای دانشگاه یا پژوهشگاه یا نهاد پژوهشی متبوع انجام می‌دهد». در این تعریف، هر پژوهشگری نمی‌تواند فعالیت پژوهشی را انجام دهد، بلکه

۱. مجموعه قوانین ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۱۹۴، آیین‌نامه اتصال کتابخانه‌ها به شبکه کتابخانه‌ها و مراکز اسناد به شبکه اسناد کشور، مصوب ۱۴۰۰/۴/۲ هیأت وزیران، ماده ۱، بند ۱۲.

پژوهشگر باید دارای مرتبه علمی یا دانشگاهی باشد و حسب رویه، این گونه پژوهش‌ها هیچ‌گاه رایگان نیست. طرح‌هایی که اعضای هیئت علمی پژوهشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (وزارت عتف) از این گونه است.

بر این پایه، «طرح پژوهشی تقاضامحور» را می‌توان چنین تعریف کرد: «فعالیتی پژوهشی که از سوی پژوهشگر در قبال گرفتن حق‌الزحمه در قالب طرح‌نامه برای نهاد علمی یا اجرایی یا دانشگاهی یا بخش خصوصی انجام می‌گیرد». عدم اشاره به لزوم داشتن «مرتبه دانشگاهی» برای پژوهشگر در «طرح پژوهشی تقاضامحور»، به این خاطر است که ممکن است نهادهای اجرایی، انجام طرح پژوهشی را از فردی درخواست کنند که دارای مرتبه دانشگاهی نیست، بلکه دارای سوابق اجرایی یا فنی یا هنری است؛ هرچند در این صورت، آنچه انجام می‌گیرد با توجه به تعریف عام و مورد وفاقی که از طرح پژوهشی ارائه شده، در واقع، طرح پژوهشی نیست، بلکه نوعی از پژوهش است که معمولاً در قالب «قرارداد کار معین» انجام می‌شود.

نتیجه طرح‌های پژوهشی می‌تواند در قالب گفتار، نوشتار، صوت و تصویر در جهان واقعی یا مجازی (زرکلام، ۱۳۹۸) ارائه شود. البته حتی اگر آنچه ارائه می‌شود در ذیل عنوان «پایگاه داده» یا «ترم‌افزارهای رایانه‌ای» نیز قابل دسته‌بندی باشد، این موارد حسب تعریف‌هایی که ارائه شده، جزء آثار ادبی هستند. با آنکه تشخیص پدیدآور یا مالک یگانه یک اثر کار چندان دشواری نیست، هنگامی که اشخاص متعدد در پدیدآوری یک اثر فکری نقش داشته‌اند، مشخص کردن مالکان و نیز سهم هریک از آنان به نظر چندان آسان نیست. البته تعیین این مالکان و ایجاد تعادل میان حقوق آنان، مسئله تازه‌ای نیست و حتی در اقتصادهای ابتدایی نیز مطرح بوده و قواعد متفاوتی برای تخصیص سهم و عایدی هریک از اشخاص دخیل مطرح شده و ادله متعددی نیز برای توجیه یا اثبات قواعد مطرح شده ارائه شده است (Hvide & Jones, 2018).

از منظر وظیفه‌سازمانی دو نوع طرح پژوهشی وجود دارد: ۱. طرح پژوهشی موظف که عضو هیئت علمی، موظف به انجام آن است. ۲. طرح پژوهشی تقاضامحور، یعنی «فعالیتی پژوهشی که از سوی پژوهشگر در قبال گرفتن حق‌الزحمه در قالب طرح‌نامه برای نهاد علمی یا اجرایی یا دانشگاهی انجام می‌گیرد».

طرح پژوهشی به‌عنوان یک اثر سفارشی، به‌معنای آن است که خلق آن به درخواست سفارش‌دهنده انجام می‌شود و نه به اراده اولیه پدیدآورنده. در این نوع آثار، معمولاً ابزار و وسایل تولید اثر توسط سفارش‌دهنده فراهم می‌شود، هرچند ممکن است توافقاتی وجود داشته باشد. طبق ماده ۱۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، حقوق مادی آثار سفارشی تا سی سال متعلق به سفارش‌دهنده است، مگر اینکه توافق دیگری صورت گیرد. حقوق معنوی اثر همچنان به پدیدآورنده تعلق دارد. وجود قرارداد شفاهی یا کتبی برای اثبات سفارش ضروری است؛ در غیر این صورت، حقوق مادی اثر به پدیدآورنده تعلق می‌گیرد. همچنین، مدت ۳۰ ساله برای بهره‌برداری از حقوق مادی اثر، به هیچ وجه به ۵۰ سال

افزایش نیافته است. در صورت عدم توافق درباره مدت، حق مادی به سفارش‌دهنده تعلق می‌گیرد و او می‌تواند به مدت ۳۰ سال از آن بهره‌برداری کند.

تفاوت‌های ماهوی بین سفارش و طرح پژوهشی موظف وجود دارد، از جمله اینکه انجام طرح پژوهشی وظیفه‌ای است که عضو هیئت‌علمی باید انجام دهد، در حالی که سفارش اختیاری است. در حقوق فرانسه، حقوق مادی و معنوی آثار سفارشی به‌طور پیش‌فرض به پدیدآور تعلق دارد، مگر اینکه به‌طور صریح این حقوق از طریق توافق‌نامه به دیگری منتقل شده باشد (Françon & Ginsburg, 1985; Sápi, 2024).

در حقوق ایران، طرح‌های پژوهشی به‌عنوان آثار نوشتاری تحت حمایت قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قرار دارند و حقوق مختلف مادی و معنوی را برای پدیدآورنده به وجود می‌آورند. از جمله حقوق مادی ناشی از اجرای طرح پژوهشی در حقوق ایران عبارت‌اند از: حق تکثیر اثر، حق ترجمه، حق توزیع، حق عرضه به عموم، حق بهره‌بردن از پاداش و جوایز اثر و حق اقتباس و تلخیص. در مقابل، حقوق معنوی عبارت‌اند از: حق افشای اثر، حق احترام به نام و سمت پدیدآورنده، حق احترام به اثر و حق عدول یا اصلاح.

نظام چندگانه مالکیت ادبی حاکم بر طرح‌های پژوهشی

در میان آنچه در ایران درباره مالکیت ادبی حاکم بر آثار مشمول آن مقرر شده، برخی جزء مصوبات مجلس به‌عنوان بالاترین نهاد قانون‌گذاری هستند و برخی دیگر از سوی قوه مجریه به تصویب رسیده‌اند که بنا بر قاعده کلی در مقررهنویسی، مصوباتی که نام «آیین‌نامه»، «دستورالعمل»، «ضوابط»، «خط‌مشی» و یا «بخشنامه» دارند، باید در اصول و مبانی تابع «قانون» باشند و در صورت مغایرت با قانون، برابر با موازین و ترتیبات قانونی، اعتباری ندارند.

قوانین

درباره خروجی طرح‌های پژوهشی موظف یا تقاضامحور، قوانین زیر به‌طور مشخص ضوابط حاکم بر مالکیت فکری را بیان کرده‌اند:

الف) ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱).

ب) ماده ۱۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱).

پ) ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۱۶).

ت) ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴).

برخلاف ماده‌های ۳ و ۱۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱) که وضعیت مالکیت همه آثار ادبی را مشخص کرده، ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۱۶)، تنها راجع به «ترجمه» است و ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴) فقط درباره مالکیت مادی و معنوی «نرم‌افزارهای رایانه‌ای» تعیین تکلیف کرده است؛ با این تفاوت که قانون اخیر که نرم‌افزار را «اختراع»

می‌شمارد، در واقع به یکی از موارد مشمول مالکیت صنعتی مربوط می‌شود و از این رو، در حوزه موضوع پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد. از جمع ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۱۶) و ماده‌های ۱ و ۱۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مالکیت می‌توان این قواعد را استخراج کرد:

(الف) مالکیت مادی و معنوی هر اثر ادبی، اعم از ترجمه و غیر آن، با پدیدآور است؛
(ب) مالکیت مادی هر اثر ادبی، به جز ترجمه، چنانچه بر اثر سفارش ایجاد شده باشد، با سفارش‌دهنده است. درست است که به موجب ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱) «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان یا ظهور یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود؛ اما مسئله اصلی آن است که «پدیدآور» کیست و درباره طرح پژوهشی، مسئله این است که کدام یک از «پژوهشگر»، «پژوهشگاه» یا «حامی مالی (دولت یا بخش خصوصی)» پدیدآور است و اگر همه آن‌ها می‌توانند پدیدآور باشند، سهم هر کدام از حقوق مالکیت فکری چه مقدار است؟

مقررات

مقصود از مقررات، مصوباتی است که نام «آیین‌نامه»، «دستورالعمل»، «ضوابط»، «خط‌مشی» یا «بخشنامه» دارند. درباره نتایج طرح‌های پژوهشی که در دانشگاه‌ها یا مراکز پژوهشی انجام می‌شود، فارغ از قوانین مذکور، مقررات زیر وجود دارد:

در سطح وزارتخانه‌های ذی‌ربط

۱. آیین‌نامه ساختار و خط‌مشی مالکیت فکری و نوآوری در دانشگاه‌های علوم پزشکی (مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۴): در این آیین‌نامه، پس از آنکه در بند ۱ ماده ۳ «دارایی فکری» به «دارایی‌های حاصل از خلاقیت‌های فکری انسان» تعریف شده، در بند ۲ از همین ماده «پدیدآورنده دارایی فکری» و آنچه او می‌آفریند، به این شکل تعریف شده است:

۲-۳. پدیدآورنده دارایی فکری در این‌ا به فرد یا افراد حقیقی اطلاق می‌شود که یکی از مصادیق دارایی فکری را به یکی از طرق ذیل ایجاد کرده باشند:

۳-۳- الف) دارایی فکری در قلمرو وظایف استخدامی یا اجرای قرارداد و یا تعهدات پدیدآورنده آن باشد. ایده‌های اعضای هیئت‌علمی یا کارکنان که در قالب پایان‌نامه یا طرح پژوهشی و موارد مشابه ارائه می‌گردد، در صورتی مشمول این بند خواهد بود که برای آن ایده، قرارداد جداگانه‌ای با دانشگاه منعقد شده باشد؛

۳-۳- ب) دارایی فکری درون قلمرو وظایف پدیدآورنده آن قرار نمی‌گیرد. با وجود این، دارایی فکری مرتبط به فعالیت‌های علمی و فناوری در دانشگاه می‌باشد؛

۳-۳-ج) پدیدآورنده دارای فکری که از دانش کارفرما یا امکانات یا منابع دانشگاه استفاده کرده باشد. دارایی فکری حاصل از استقرار واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، همچنین دارایی‌های فکری حاصل از قراردادهای ارتباط با صنعت مشمول بندهای ۳-۳ «ب» و ۳-۳ «پ» و با رعایت دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوطه خواهد شد و دانشگاه می‌تواند در صورت سوددهی، طبق قرارداد مربوطه از درآمد حاصل از دارایی فکری ایجاد شده توسط آن‌ها برخوردار گردد، مگر اینکه آن دارایی فکری بر اساس مقررات این خط‌مشی متعلق به دانشگاه باشد. در گواهی ثبت اختراع در مواردی که شامل بند ۳-۳ «الف» می‌باشند، ۱۰۰ درصد سهم متعلق به دانشگاه به‌عنوان کارفرما است؛ اما در مواردی که شامل بندهای ۳-۳ «ب» و ۳-۳ «ج» می‌شوند، حداکثر سهم دانشگاه ۵۰ درصد پیشنهاد می‌گردد. در خصوص آثار مکتوب و رساله‌های مربوط به مقاطع تحصیلی دانشگاهی، طبق تعهدی که در قرارداد طرح‌های پژوهشی قید می‌شود حقوق مادی آن (نشر و تکثیر و درآمدهای حاصل از آن‌ها) متعلق به دانشگاه به‌عنوان سفارش‌دهنده است. درخصوص نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز حقوق مادی مربوط و حق تغییر و توسعه آن، متعلق به دانشگاه به‌عنوان کارفرما یا استخدام‌کننده است؛ مگر در قرارداد به نحو دیگری مشخص شده باشد. در هر صورت، حقوق معنوی پدیدآورنده محفوظ خواهد بود.

نکته درخور توجه در این آیین‌نامه، شیوه رفع اختلاف آن به شرح بند ۳ ماده ۵ است که مقرر می‌دارد:

الف) در متن قراردادهای داخلی، قوانین ملی و نیز دادگاه‌های ایران و در قراردادهای خارجی، دادگاه‌های مورد توافق طرفین به‌عنوان قوانین و مراجع رسیدگی به اختلافات مشخص می‌گردند. ب) واحد مالکیت فکری و نوآوری سازوکار حل‌وفصل اختلافاتی که ممکن است بین دانشگاه پدیدآورنده دارایی فکری و یا حامی پیش‌آید را فراهم می‌سازد؛

ج) در صورت بروز اختلاف نظر بین محقق و دانشگاه، مسئله بایستی به کمیته داوری تصمیم‌گیری شامل نماینده محقق، نماینده از طرف دانشگاه و یک نفر داور مرضی‌الطرفین (به معرفی معاون تحقیقات و فناوری) ارجاع داده شود. در صورتی که کمیته حداکثر طی یک سال به تصمیم قطعی نرسد، محقق می‌تواند مراتب را از مراجع قانونی پیگیری نماید». فارغ از اینکه تعیین قانون دیگری جز قانون حاکم ایران در قراردادهای خارجی به لحاظ حقوقی فاقد اعتبار است، ترتیب رسیدگی یک ساله مقرر در بند «ج» نیز با مقررات مربوط درباره جرائم مرتبط با مالکیت فکری سازگار نیست؛ زیرا به لحاظ حقوقی، این گروه از شکایات داخل در «شکایات خصوصی» هستند که باید از سوی شخص حقیقی ظرف یک سال از تاریخ وقوع مبنا، مورد شکایت قرار گیرند و با ترتیبی که در آیین‌نامه پیش‌بینی شده، پس از گذشت یک سال بی‌نتیجه، اساساً امکان شکایت از سوی شاکی خصوصی به‌دلیل شمول مرور زمان از دست می‌رود؛ مضافاً اینکه معلوم نیست زمان یک ساله با توجه به چه محاسباتی در این آیین‌نامه مقرر شده است.

در بند ۳ از ماده ۳ این خطمشی آمده است: «مؤسسه در نتایج مادی حاصل از هرگونه دارایی فکری که در اثر فعالیت فردی یا گروهی با استفاده از امکانات، تجهیزات و یا اعتبارات مؤسسه انجام شود، دارای حق خواهد بود». البته این بند و بندهای دیگر مشخص نمی‌کنند که میزان مالکیت مؤسسه چه اندازه است، بلکه در بند ۵ اشاره شده: «میزان سهم مؤسسه، پدیدآورنده و حامی و نیز امکان استفاده رایگان و نامحدود آن‌ها از دارایی فکری حاصله، در قرارداد همکاری منعقدۀ تعیین می‌گردد» و البته اگر در کارهای گروهی میزان سهم اشخاص دخیل در آغاز مشخص نشده باشد، بر طبق بند ۸ ماده ۳ «در کارهای گروهی، درصد سهم کلیه افرادی که در ایجاد یک دارایی فکری مشارکت داشته‌اند، قبل از ارائه درخواست تقاضای ثبت، به‌صورت مکتوب مشخص می‌گردد. در مواردی که درصد سهم هر یک از افراد مزبور مشخص نشده باشد، منافع حاصله به‌صورت مساوی بین آن‌ها تقسیم خواهد شد».

طبق بند ۴ همین ماده: «چنانچه پدیدآورنده ادعا نماید که دارایی فکری، بدون استفاده مؤثر از منابع و امکانات مؤسسه حاصل شده است، در صورت بررسی مدارک و پذیرش ادعای مذکور در کمیته مالکیت فکری، مؤسسه به‌صورت مکتوب اعلام می‌نماید که ادعایی را مبنی بر مالکیت آن دارایی فکری ندارد». به کیفیتی که این دو بند مقرر کرده‌اند اولاً اصل بر ذی‌حق بودن مؤسسه در دارایی فکری حادث در مؤسسه است؛ ثانیاً مرجع رسیدگی به ادعای خلاف این اصل، کمیته مالکیت فکری مؤسسه است. بر پایه ماده ۴ این خطمشی «تعیین درصد سهم هر یک از ذی‌نفعان (پدیدآورنده، واحد تحقیقاتی، مؤسسه و حامی) از حقوق مادی حاصل از دارایی‌های فکری» بر عهده کمیته مالکیت فکری است که «متشکل از تعدادی از مسئولان اجرایی و صاحب‌نظران مربوطه خواهد بود». برای پرهیز از مشکلاتی که عملاً در پذیرش صلاحیت «کمیته مالکیت فکری حادث خواهد شد» در بند ۱ ماده ۳ آمده است: «این خطمشی و ضوابط بر تمام افراد شاغل در مؤسسات (اعم از اعضای هیئت‌علمی، کارشناسان، تکنسین‌ها و دانشجویان) و به‌طور کلی، هر فردی که از تسهیلات، اعتبارات و امکانات این مؤسسات (در راستای انجام یک فعالیت تحقیقاتی در طی زمان معینی که با مؤسسه همکاری دارد) استفاده نماید، حاکم می‌باشد و لازم است همگی در بدو استخدام و یا در چارچوب قراردادهای پروژه‌های تحقیقاتی، تعهدنامه‌ای مبنی بر قبول و رعایت مفاد این خطمشی و ضوابط را امضا نمایند». همچنین بند «ب» ماده ۸ مقرر کرده است: «کمیته مالکیت فکری، سازوکار حل‌وفصل اختلافاتی که ممکن است بین مؤسسه، پدیدآورنده دارایی فکری و یا حامی پیش‌آید را فراهم می‌آورد. به‌طور مثال، در چنین مواردی می‌توان مسئله را به کمیته‌ای متشکل از نمایندگان از هر یک از طرف‌های دعوا و نیز فرد یا افرادی مرضی‌الطرفین ارجاع داد».

بر طبق ماده ۱۰ درباره حقوق معنوی ناشی از پدیدآوری اثر در این خطمشی تصریحی وجود ندارد، اما از بند ۱۰ ماده ۳ می‌توان دریافت که این حقوق منحصرأ به پدیدآورنده داده شده است. در ماده ۶ این خطمشی درباره ترتیب ثبت آفریده فکری که در قالب اختراع باشد گفته شده: «در آثار حاصل از فعالیت فکری (از جمله گواهی‌نامه اختراع) باید نام مؤسسه به‌عنوان مالک اسمی دارایی فکری و همچنین نام پدیدآورندگان ذکر گردد، مگر اینکه طبق یک توافق‌نامه مکتوب، این حق بین پدیدآورنده دارایی فکری و مؤسسه به نحو دیگری تعیین شده باشد. در مورد حامی نیز طبق قرارداد عمل خواهد شد؛ اما در بند «ج»

ماده ۷ راجع به تقسیم حقوق مادی «سایر آثار مکتوب، آثار هنری و نرم‌افزارها» گفته شده: «در این گونه موارد، کمیته مالکیت فکری با توجه به نقش مؤسسه و پدیدآورنده در ایجاد دارایی فکری، در مورد سهم آن‌ها تصمیم‌گیری خواهد نمود».

۲. خط‌مشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی (مصوب معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری): این خط‌مشی که در قالب ۸ ماده تدوین شده و در سامانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ذیل مقررات مرتبط با «معاونت فناوری و نوآوری» ذکر شده، فاقد تاریخ تصویب است و در پاورقی ماده ۱ آن گفته شده: «گرچه مخاطب اصلی این ضوابط، مؤسسات وابسته به وزارت علوم هستند، ولی برای سایر مؤسسه‌های علمی و پژوهشی دولتی و خصوصی نیز قابل استفاده می‌باشد».

در بندهای ماده ۳ خط‌مشی، با عنوان «اصول کلی»، درباره حقوق مالکیت فکری، گفته شده: «مؤسسه در نتایج مادی حاصل از هرگونه دارایی فکری که بر اثر فعالیت فردی یا گروهی با استفاده از امکانات، تجهیزات و یا اعتبارات مؤسسه انجام شود، دارای حق خواهد بود»؛ اما این حق اولاً فقط به حقوق مادی خلاصه شده و حقوق معنوی را شامل نمی‌شود که نشان می‌دهد برداشت ارائه‌شده از بند ۳ ماده ۱ درست است و ثانیاً حکم مندرج در بند مرقوم، متوقف بر این است که دارایی فکری «با استفاده از امکانات، تجهیزات و یا اعتبارات مؤسسه انجام شده باشد» و از همین رو در بند ۴ همین ماده مقرر شده: «چنانچه پدیدآورنده ادعا نماید که دارایی فکری، بدون استفاده مؤثر از منابع و امکانات مؤسسه حاصل شده است، در صورت بررسی مدارک و پذیرش ادعای مذکور در کمیته مالکیت فکری، مؤسسه به صورت مکتوب اعلام می‌نماید که ادعایی را مبنی بر مالکیت آن دارایی فکری ندارد». نکته درخور توجه در این بند آن است که ملاک و مبنای تعیین و ارزیابی قید «مؤثر» چیست و در این خصوص اصل کدام است: آیا اصل بر «مؤثر بودن منابع و امکانات مؤسسه در ایجاد دارایی فکری» است یا «مؤثر بودن منابع و امکانات مؤسسه»؟ تعبیر وضعیت پدیدآورنده به «مدعی» و اظهارات او به «ادعا» در بند ۴ مذکور نشان می‌دهد که نویسندگان خط‌مشی بر این نظر هستند که «مؤثر بودن منابع و امکانات مؤسسه در ایجاد دارایی فکری»، اصل است و خلاف آن نیاز به اثبات دارد و به همین دلیل، به عنوان نتیجه بند ۳ در بند ۵ ماده مرقوم گفته شده: «میزان سهم مؤسسه، پدیدآورنده و حامی و نیز امکان استفاده رایگان و نامحدود آن‌ها از دارایی فکری حاصله، در قرارداد همکاری منعقد تعیین می‌گردد»؛ اما معلوم نیست که اگر قراردادی در بین نباشد و یا قرارداد فی‌مابین به علتی باطل باشد، معیار تعیین سهم هریک از طرف‌ها چیست و دیگر اینکه اگر درباره اعضای هیئت علمی موظف که ادامه همکاری مؤسسه پژوهشی با آنان منوط به انعقاد قرارداد همکاری است، هرگاه عضو هیئت علمی، قرارداد مؤسسه را نپذیرد، چه باید بکند و یا اگر آن را تحت اجبار پذیرفت و سپس به ترتیبات مربوط به تعیین سهم اعتراض داشت باید چه کند و ادعای او پذیرفتنی است یا نه؟

نتیجه آنچه در مقررات مذکور از خط‌مشی بیان شد آن است که:

۱. هرگاه اعضای هیئت علمی، کارشناسان، تکنسین‌ها و دانشجویان و به طور کلی، هر فردی که از تسهیلات، اعتبارات و امکانات دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا مرکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای انجام یک فعالیت تحقیقاتی در طی زمان معینی که با مؤسسه همکاری دارند، استفاده می‌کند، دارایی فکری پدید آورد (ایجاد کند)، حقوق معنوی آن دارایی فکری، متعلق به اعضای هیئت علمی، کارشناسان، تکنسین‌ها و دانشجویان است؛ اما دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا مرکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با توجه به آنکه بنا بر اصل، دارایی فکری مذکور بر اثر استفاده از امکانات، تجهیزات و یا اعتبارات متعلق به او ایجاد شده، دارای سهمی از حقوق مادی دارایی فکری مربوط است؛ مگر آنکه اعضای هیئت علمی، کارشناسان، تکنسین‌ها و دانشجویان بتوانند ثابت کنند که اثر فکری بر اثر استفاده از امکانات، تجهیزات و یا اعتبارات متعلق به دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا مرکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایجاد نشده است؛

۲. میزان سهمی که دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا مرکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از حقوق مادی مربوط به دارایی فکری دارد، مشخص و معین نیست و به همین خاطر این امر باید در «قرارداد همکاری» مشخص شود؛

۳. دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا مرکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید در آغاز همکاری با اعضای هیئت علمی، کارشناسان، تکنسین‌ها و دانشجویان و به طور کلی، هر فردی که از تسهیلات، اعتبارات و امکانات آن‌ها در راستای انجام یک فعالیت تحقیقاتی در طی زمان معینی که با مؤسسه همکاری دارند، استفاده می‌کند، میزان سهم خود از حقوق مادی دارایی فکری بالقوه یا متصور را تعیین کند؛

۴. اگر این سهم مشخص نشده باشد و اختلافی در تعیین آن حادث شود، موضوع بر طبق ماده ۸ خط‌مشی با عنوان «حلول فصل اختلافات»، به این شکل حل‌وفصل می‌شود:

- در متن قراردادهای، قوانین ملی و نیز دادگاه‌های ایران (و در قراردادهای خارجی، دادگاه‌های مورد توافق طرفین (به عنوان قوانین و مراجع رسیدگی به اختلافات) مشخص می‌گردند؛
- کمیته مالکیت فکری، سازوکار حل و فصل اختلافاتی که ممکن است بین مؤسسه، پدیدآورنده دارایی فکری و یا حامی پیش آید را فراهم می‌آورد. به طور مثال، در چنین مواردی می‌توان مسئله را به کمیته‌ای متشکل از نمایندگان از هر یک از طرف‌های دعوا و نیز فرد یا افرادی مرضی‌الطرفین ارجاع داد.

البته با توجه به موازین آیین دادرسی در ایران و صلاحیت‌هایی که دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا مرکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد، آشکار نیست که در «قراردادهای خارجی»، چگونه ممکن است طرفین توافق کنند که دادگاه‌های یک کشور غیرایرانی به عنوان مرجع مورد توافق طرفین، صلاحیت رسیدگی به به این اختلاف را پیدا کنند؟

در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی یا مراکز پژوهشی

در مقام عمل به آنچه در بند ۵ از ماده ۳ خط‌مشی بیان شده، دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی یا مراکز پژوهشی و فناوری وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در خط‌مشی‌های مالکیت فکری خود، میزان سهم خویش از دارایی فکری را بیان کرده‌اند؛ از جمله:

(الف) دانشگاه شهید بهشتی: ماده ۳ ضوابط مالکیت فکری دانشگاه شهید بهشتی (مصوب ۱۳۹۳/۲/۱ شورای دانشگاه): «حقوق مادی و معنوی آثار ادبی و هنری، مانند کتاب، مقاله، تألیف، ترجمه و نرم‌افزار، به‌جز حقوق مادی آثار مندرج در ماده ۴ متعلق به خالق آن است. دانشگاه در انتشار این آثار حق تقدم دارد، لکن چنانچه خالق اثر، رأساً نسبت به انتشار اثر اقدام کند، موظف به رعایت ماده ۲۳ می‌باشد»^۱.

(ب) دانشگاه سیستان و بلوچستان: ماده ۵ از «آیین‌نامه مالکیت فکری و تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و فناوری دانشگاه سیستان و بلوچستان» که در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۳ در شورای پژوهشی دانشگاه و در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۵ در هیأت رئیسه دانشگاه مصوب شد و از تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۵ قابل اجرا شده است.

(پ) دانشگاه گلستان: ماده ۴ از «آیین‌نامه حقوق مالکیت فکری و معنوی دانشگاه گلستان (دفتر توسعه فناوری و تجاری‌سازی)» که در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۳ در شورای پژوهش و فناوری و در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۴ در شورای دانشگاه تصویب و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا شده است.

(ت) دانشگاه‌های عضو هیأت امنا (از جمله دانشگاه ارومیه و ...): «آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی دانشگاه‌های عضو هیأت امنا» که در قالب ۹ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۷^۲ به تصویب رئیس مرکز هیأت‌های امنا و هیأت‌های ممیزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا شده، است.

(ث) دانشگاه خلیج فارس (بوشهر): ماده ۵ از «آیین‌نامه مالکیت فکری دانشگاه خلیج فارس (بوشهر)» که در ۶ ماده در تاریخ ۱۳۹۴ از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه منتشر شده به «انواع دارایی فکری» اشاره کرده است.

(ج) پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک): خط‌مشی مالکیت فکری پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) (مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۲۱ شورای پژوهشی این پژوهشگاه) در بند ۴-۱ مقرر داشته: «حقوق مادی طرح پژوهشی متعلق به پژوهشگاه است؛ مگر اینکه خلاف آن در شورای پژوهش به تصویب برسد». همچنین بر طبق بخش اخیر بند ۴-۳ «... در صورتی که گزارش بر اساس مصوبه شورای پژوهش کاملاً متعلق به پژوهشگاه نبوده باشد، استفاده از گزارش طرح‌های پژوهشی با رعایت حقوق مادی دیگران انجام می‌شود».

۱. ماده ۲۳: همه اشخاص مشمول این ضوابط مکلفند در انتشار دارایی‌های فکری و آثاری که در دانشگاه به هر عنوانی، اعم از کتاب، مقاله، کنفرانس، همایش و ... خلق و ایجاد شده است، نام و نشان دانشگاه را ذکر کنند. در غیر این صورت، شورای مالکیت فکری برای ارزیابی تخلف، میزان خسارت وارده به دانشگاه و گزارش آن به مراجع ذی‌ربط اقدام خواهد نمود.

2. <https://news.urmia.ac.ir/node>

تئوری‌های ناظر بر مالکیت پژوهش‌های دانشگاهی

دربارهٔ تعلق اثر دانشگاهی به عضو دانشگاه یا شخصی حقوقی به نام دانشگاه چالش فراوان است؛ هرچند که بنا بر اصل نخستین دربارهٔ حقوق مالکیت فکری، حقوق مادی و معنوی ناشی از آفرینش اثر به پدیدآور تعلق دارد و عدالت و عقل سلیم نیز این حکم را تأیید می‌کنند (Pila, 2010). در یک رأی صاداری از سوی قاضی لرد دنینگ^۱ گفته شده: وقتی یک استاد که برای ارائه سخنرانی شفاهی استخدام شده، متن سخنرانی‌های خود را مکتوب می‌کند، این کار را برای خود انجام داده، نه به‌عنوان ایفای تعهد قراردادی خویش. در رأی قاضی دنینگ تصریح شده: تکیه صرف بر رابطه استخدام برای تعریف رابطه یک عضو دانشگاهی با دانشگاه، به شکل اعمال مقررات مالکیت کارفرما، به معنای نادیده‌گرفتن ابعاد متمایز این رابطه است. نتیجه این رویکرد، حمایت قضایی از این استدلال حقوقی است: دانشگاهیان فقط مستخدم نیستند، بلکه عضو جامعه استادان و دانشجویان نیز هستند. این جامعه از یک نگاه به جهت تعهد اخلاقی که دارد برای پیگیری حقیقت تشکیل شده؛ البته با التفات به استلزاماتی که پیگیری مذکور برای منافع تجاری اعضای کارفرمایش دارد. رفتار با دانشگاه‌ها به شیوه کارفرمایان معمول و متعارف، به‌گونه‌ای که نتیجه آن، حمایت از مالکیت آنان بر اختراعات و کپی‌رایت مستخدمان است، اصول آزادی دانشگاهی و همچنین اخلاقی که دانشگاه‌ها را به این صورت تشکیل داده، تضعیف خواهد کرد» (Pila, 2010).

در مقابل، دانشگاه‌های استرالیا بنا بر سنت کامن‌لا و همچنین قوانین لازم‌الاجرای خود، اثری را که دانشگاهیان در دوره استخدام خود می‌آفرینند، متعلق به کارفرما، یعنی دانشگاه می‌دانند (Reid, 2004). در تحلیلی کلی، دربارهٔ آثاری که اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی خلق می‌کنند، چند نظریه به شرح زیر وجود دارد:

۱. نظریه کار در برابر مزد^۲

بر پایه این نظریه، از آنجا که استادان دانشگاه در برابر آنچه انجام می‌دهند حقوق و به تعبیری، مزد می‌گیرند و دانشگاه مخاطرات کار آنان را می‌پذیرد و از آنان در برابر این مخاطرات حمایت می‌کند، حقوق مادی آنچه در دوره استخدام توسط دانشگاهیان آفریده می‌شود، به دانشگاه تعلق دارد^۳.

نظریه کار در برابر مزد در قانون کپی‌رایت ایالات متحده، طبق بخش ۱۰۱ قانون کپی‌رایت، تعیین می‌کند که مالکیت حقوق اثری که در چارچوب یک رابطه شغلی یا قراردادی خاص ایجاد شده، به طور خودکار به کارفرما تعلق دارد. در مقابل، اگر اثر توسط پیمانکار مستقل ایجاد شود، انتقال حقوق تنها در صورتی امکان‌پذیر است که اثر در یکی از ۹ دسته تعریف‌شده در قانون کپی‌رایت قرار گیرد و توافق‌نامه‌ای کتبی میان طرفین وجود داشته باشد که صراحتاً اثر را به‌عنوان «کار در برابر مزد» تعریف کند (Garon &

1. Denning L.J

2. Work for hire theory

3. <https://www.zeusip.com/copyright-in-academic-works-created-by-students.html>

(Ziff, 2011) در یک پرونده مشهور،^۱ دیوان عالی ایالات متحده آزمونی چندمعیاری را برای تشخیص کارمندان از پیمانکاران مستقل به کار برد. این آزمون عوامل مختلفی مانند میزان کنترل کارفرما بر فرایند خلق اثر، تأمین منابع توسط کارفرما، و دائمی یا موقت بودن رابطه کاری را در نظر می‌گیرد (Vacca, 2017).

۲. نظریه استفاده گسترده از منابع دانشگاهی^۲

این نظریه «به این معنا است که اگر اثر فکری پدید آمده توسط اعضای دانشگاهی با «استفاده گسترده» از منابع دانشگاهی خلق شده باشد، مالکیت اثر پدیدآمده به دانشگاه تعلق دارد؛ مگر اینکه در قرارداد منعقد بین پدیدآورنده و دانشگاه غیر از این توافق شده و یا دانشگاه از حقوق خود صرفنظر نماید» (صادقی، رضایی و شهبازی نیا، ۱۳۹۰). این موضوع در پروژه‌های تحقیقاتی یا زمانی که دانشگاه به‌طور مستقیم در حمایت مالی یا لجستیکی از پروژه‌ها مشارکت داشته باشد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (Garon, 2018) البته تعیین مرز میان استفاده معمولی و استفاده گسترده از منابع دانشگاهی ممکن است پیچیده باشد و نیاز به تحلیل دقیق دارد.

در واقع، این نظریه را باید شکلی دیگر از نظریه‌های تقسیم منافع در محیط‌های کاری و رابطه کارگر - کارفرما دانست که در آن، کار دانشگاهی و علمی، جانشین کار غیر علمی شده و اشخاص دانشگاهی، جای کارگران غیر علمی را گرفته‌اند و از همین رو، در تحلیل سهم هریک از افراد دخیل در پدید آمدن اثر دانشگاهی، ضرورت دارد که میزان آورده آنان مشخص گردد و مشخص است که در این خصوص، سنجش کار دانشگاهی و آکادمیک کار آسانی نیست؛ زیرا فقط کار انجام شده موضوعیت ندارد، بلکه کیفیت آن و تأثیری که بر دانش و حوزه علمی خود دارد، واجد اهمیت بیشتری است (Woodcock, 2018).

در یک پرونده به سال ۲۰۰۹ که از سوی دانشگاه غرب استرالیا^۳ علیه استاد سابق جراحی همان دانشگاه مطرح شد، دادگاه نظر داد که اصول حاکم بر کامن‌لا درباره مالکیت کارفرما بر اختراعاتی که مستخدم انجام می‌دهد، بر فعالیت‌های مستخدمان دانشگاه اعمال نمی‌شود؛ هرچند که استاد مذکور در زمان حضور در دانشگاه و با استفاده از تجهیزات دانشگاه فعالیت‌های مرتبط را انجام داده بود. تصمیم دادگاه بر این پایه صادر شده بود که دانشگاه یک جایگاه علمی است، نه یک مؤسسه تجاری (Pila, 2010).

۳. نظریه وجود قرارداد

بر طبق این نظریه، مالکیت بر اثر، تابع قراردادی است که میان پژوهشگر و تأمین‌کننده مالی بسته می‌شود. در جایی که تأمین‌کننده مالی دانشگاه است و در واقع، پژوهشگر مستخدم دانشگاه به شمار

1. Community for Creative Non-Violence v. Reid

2. substantial use of university resources

3. University of Western Australia

می‌رود، گفته شده بهتر است حقوق مادی و معنوی به پژوهشگر داده شود و در کنار آن به دانشگاه یا هر که حمایت مالی می‌کند اجازه داده شود که از منافع اثر بهره‌برد و این کار را می‌شود از طریق قرارداد انجام داد. اگر قرار است که کارفرما از مزایای اثر، به‌ویژه اثر صنعتی و نوآورانه بهره‌مند شود، این امر چه منافاتی با این دارد که مالک حقوق مادی و معنوی اثر را طبق اصل، پدیدآور بدانیم و از طریق قرارداد، کارفرما مجاز به استفاده از همه یا برخی از مزایا گردد (Pila, 2010؛ صادقی و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین گفته شده که اگر عضو هیئت‌علمی در عین استفاده از امکانات دانشگاه، اثری را پدید آورد که با رنگ و بوی رشته دانشگاهی او یا موضوعی که برای آن استخدام شده، نزدیکی و قرابت نداشته باشد، اثر را باید صرفاً متعلق به او دانست.^۱

در حقوق ایران، ماده ۶ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۱۴) از چنین نظری پیروی کرده است. طبق این ماده: «پدیدآوردن نرم‌افزارها ممکن است ناشی از استخدام و یا قرارداد باشد در این صورت: ...ب) اگر هدف از استخدام یا انعقاد قرارداد، پدیدآوردن نرم‌افزار مدنظر بوده و یا پدیدآوردن آن جزء موضوع قرارداد باشد، حقوق مادی مربوط به حق تغییر و توسعه نرم‌افزار متعلق به استخدام‌کننده یا کارفرما است، مگر اینکه در قرارداد به‌صورت دیگری پیش‌بینی شده باشد».

۴. نظریه اشتراک در مالکیت حقوق^۲

این نظر به این معنا است که چون اثر مشترک است، مالکیت اثر میان پدیدآورنده و دانشگاه تقسیم شود (رضایی، ۱۳۹۰).

نظریه «اشتراک در مالکیت حقوق» به این مفهوم اشاره دارد که چندین فرد می‌توانند به‌طور همزمان مالک یک اثر یا حق مالکیت فکری باشند. در این حالت، تمامی مالکین در بهره‌برداری از اثر سهم دارند و می‌توانند از آن استفاده کنند، مگر آنکه توافقی مخالف وجود داشته باشد. بنابراین، حقوق مربوط به بهره‌برداری از اثر باید با دقت و به صورت مشخص در قراردادها و توافقات قانونی تعریف شود (Belderbos, 2014; Cassiman, Faems, Leten & Van Looy). در این شرایط، اشتراک در مالکیت حقوق می‌تواند به‌ویژه در رابطه با توزیع سودها و تعیین حدود اختیارات هر یک از طرفین در استفاده یا فروش اثر مشکل‌ساز شود. برای حل این مسائل، لازم است که طرفین از ابتدا در توافقات خود نحوه تقسیم سود و استفاده از اثر را مشخص کنند. در غیر این صورت، اشتراک در مالکیت ممکن است باعث بروز اختلافات و دعاوی قانونی میان مالکین شود (Delerue, 2018). «دانشگاه‌ها نباید منتظر باشند که دادگاه‌ها به آن‌ها توضیح دهند تفاوتشان با یک نهاد تجاری چیست؟» (Pila, 2010). برخی دانشگاه‌های خارجی پذیرفته‌اند

1. <https://dunnerlaw.com/who-owns-the-academic-work-copyright-considerations-in-the-university-context/>

2. Theory of co-ownership of rights

که «دانشجویان کارمند دانشگاه نیستند و بنابراین، مالک اثر فکری خود هستند، مگر اینکه دانشجو، حقوق خود را به دانشگاه واگذار کرده باشد»^۱.

بحث و نتیجه‌گیری

در ایران قوانین حاکم بر مالکیت فکری دارای احکام عام هستند و درخصوص آثار دانشگاهی، حکم ویژه‌ای را بیان نکرده‌اند. اما در میان مقررات مصوب، «خطمشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی» (مصوب معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)^۲ و آیین‌نامه ساختار و خطمشی مالکیت فکری و نوآوری در دانشگاه‌های علوم پزشکی (مصوب ۱۳۹۸/۴/۲۴ کارگروه بررسی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) به شکل مشخص به این موضوع پرداخته و حکم قضیه را بیان کرده‌اند. بر اساس این خطمشی‌ها، مؤسسه‌های علمی و پژوهشی در نتایج مادی حاصل از دارایی‌های فکری که با استفاده از امکانات و اعتبارات آن‌ها ایجاد شده، حق دارند، مگر اینکه پژوهشگران بتوانند ثابت کنند که اثر فکری بدون استفاده از امکانات دانشگاه ایجاد شده است. میزان سهم دانشگاه و پژوهشگران باید در قرارداد همکاری مشخص شود و در صورت عدم توافق، موضوع به کمیته مالکیت فکری ارجاع داده می‌شود. در صورت عدم تعیین سهم و بروز اختلاف، موضوع باید بر اساس ماده ۸ خطمشی حل و فصل شود. این شامل ارجاع به قوانین ملی و دادگاه‌های ایران و همچنین کمیته مالکیت فکری است که سازوکاری برای حل و فصل اختلاف‌ها بین مؤسسه‌ها و پژوهشگران فراهم می‌آورد.

با توجه به اینکه در «خطمشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی» درباره میزان مالکیت فکری دانشگاه و عضو هیئت علمی، حد و اندازه مشخصی بیان نشده و در ماده ۳ آن فقط به این بسنده شده که «مؤسسه در نتایج مادی حاصل از هرگونه دارایی فکری که بر اثر فعالیت فردی یا گروهی با استفاده از امکانات، تجهیزات و یا اعتبارات مؤسسه انجام شود، دارای حق خواهد بود»، دانشگاه‌های مختلف به فراخور خواسته خود، «حق» را به «سهم» معنا کرده و هریک سهم متفاوتی را برای خود مشخص کرده و در خطمشی‌ها یا آیین‌نامه‌های مالکیت فکری خود تصویب کرده‌اند و از جمله بند ۴-۱ حسب خطمشی مالکیت فکری پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) (مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۲۱ شورای پژوهشی این پژوهشگاه) که مقرر داشته: «حقوق مادی طرح پژوهشی متعلق به پژوهشگاه است؛ مگر اینکه خلاف آن در شورای پژوهش به تصویب برسد»، عضو هیئت علمی، جز در صورت تصویب شورای پژوهش، از همه حقوق مادی محروم کرده است.

۱. <https://www.ed.ac.uk/edinburgh-innovations/for-staff/commercialisation-routes/inventions-intellectual-property/university-ip-policies>.

۲. البته در پاورقی ماده ۱ این خطمشی گفته شده: «گرچه مخاطب اصلی این ضوابط، مؤسسات وابسته به وزارت علوم هستند، ولی برای سایر مؤسسات علمی و پژوهشی دولتی و خصوصی نیز قابل استفاده می‌باشد» که به این ترتیب، شمول مقررات آن بر نتایج طرح‌های پژوهشی ایرانداک نیز آشکار است.

بر پایه قوانین بالادستی مصوب مجالس قانون‌گذاری ایران، از آنجا که طرح پژوهشی، اثر سفارشی به شمار نمی‌آید، حقوق مادی و معنوی آن بر حسب ماده‌های ۱ و ۳ و ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱)، متعلق به عضو هیئت‌علمی پژوهشی است. چنانچه طرح پژوهشی عبارت از ترجمه یک اثر باشد، بر طبق ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۱۶) که می‌گوید: «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او است» در تعلق همه حقوق مادی و معنوی این‌گونه طرح‌های پژوهشی به عضو هیئت‌علمی نباید تردید کرد؛ هم‌چنان که اگر نتیجه طرح پژوهشی، ایجاد یک نرم‌افزار باشد نیز وضعیت یکسان است؛ زیرا ماده ۱ قانون حمایت پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴) می‌گوید: «حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده آن است».

در شرایط کنونی، بر طبق مفاد ماده ۳ خط‌مشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی وزارت عتف، و بند ۳ از ماده ۳ آیین‌نامه ساختار و خط‌مشی مالکیت فکری و نوآوری در دانشگاه‌های علوم پزشکی، مؤسسات تابع وزارت عتف و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در آفریده‌های فکری «دارای حق مادی» هستند. البته در بند ۵ ماده ۱ خط‌مشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی (مصوب معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) گفته شده: «میزان سهم مؤسسه، پدیدآورنده و حامی و نیز امکان استفاده رایگان و نامحدود آن‌ها از دارایی فکری حاصله، در قرارداد همکاری منعقد تعیین می‌گردد» و بر طبق بند ۳-۳ ج آیین‌نامه ساختار و خط‌مشی مالکیت فکری و نوآوری در دانشگاه‌های علوم پزشکی، حداکثر سهم دانشگاه ۵۰ درصد پیشنهاد شده است؛

۳. با توجه به آنچه در بند ۲ گفته شد، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های تابع وزارت عتف باید درخصوص میزان سهم خود از دارایی‌های فکری با عضو هیئت‌علمی قرارداد منعقد کنند و نمی‌توانند به‌صورت عام و کلی، و بدون توافق با عضو هیئت‌علمی، سهم‌بندی مذکور را در قالب خط‌مشی‌ها یا آیین‌نامه‌های کلی ابلاغ کنند؛ اما در هر حال، از عبارت «دارای حق هستند» عقلاً و عرفاً نمی‌توان این برداشت را ارائه کرد که دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های تابع وزارت عتف، مالک همه حقوق مادی نتایج طرح‌های پژوهشی هستند.

۴. درست است که بند ۵ ماده ۱ خط‌مشی و ضوابط حقوق مالکیت فکری در مؤسسه‌های علمی و پژوهشی (مصوب معاونت فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، تعیین «میزان سهم مؤسسه، و پدیدآورنده را به انعقاد قرارداد همکاری موکول کرده، اما این قرارداد از هر جهت تابع عموماً مندرج در قانون مدنی ایران است و با این وصف، هرگاه بر اثر اکراه و اجبار بسته شده باشد، اعتباری ندارد.

۵. باید پذیرفت که بر خلاف آنچه در قراردادهای استخدامی معمول دیده می‌شود، فرد دانشگاهی، یک مسنخدم عادی نیست، بلکه یا «مستخدم متخصص» است و در واقع حقوقی که در دوره استخدام می‌گیرد، با ارزش کار او برابری نمی‌کند (Reid, 2004)؛ کما اینکه اعضای هیئت‌علمی در بیرون از محیط دانشگاه، در برابر ارائه خدماتی همسان، حق الزحمه‌های بسیار بالاتری می‌گیرند و از این‌رو نمی‌توان حاصل

و نتیجه طرح پژوهشی موظف را تماماً به کارفرما داد، بلکه همسان با آنچه در جهان علمی رایج است باید از راه همکاری متقابل اهل علم و متولیان مراکز علمی به گونه‌ای رفتار شود که هر دو از انجام طرح پژوهشی سود ببرند و البته سهم عضو هیئت علمی همواره باید بیشتر باشد؛ زیرا در غیر این صورت، از سویی، جاذبه‌های تحقیق و پژوهش در عضو هیئت علمی کم خواهد شد و از سوی دیگر، مراکز علمی، رنگ و بوی مراکز تجاری را خواهند گرفت که هر دو وضعیت با رسالت و هدف بنیادی از ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی مغایرت دارد.

به ترتیبی که گفته شد، به نظر می‌رسد بی‌آنکه تصریحی صورت گرفته باشد، در نظام آموزش عالی و پژوهشی ایران، دستکم در میان تنظیم‌کنندگان اسناد دانشگاهی، پیروی از نظریه «نظریه اشتراک در مالکیت حقوق» طرف‌داران بیشتری دارد.

تحلیل ارائه شده در این مقاله، به روشنی نشان می‌دهد که موضوع مالکیت فکری در دانشگاه‌های ایران با چالش‌های متعدد روبه‌رو است. خط‌مشی‌ها و آیین‌نامه‌های موجود در سطح ملی و دانشگاهی، اگرچه برخی اصول کلی را ارائه کرده‌اند، اما همچنان فاقد شفافیت و انسجام کافی در تعیین حقوق و سهم دقیق دانشگاه‌ها و اعضای هیئت علمی هستند. این عدم شفافیت در بسیاری از موارد موجب سردرگمی و اختلاف نظر میان طرفین شده، علاوه بر تضعیف اعتماد متقابل، می‌تواند تأثیرهای منفی بر انگیزه پژوهشگران و کیفیت تولیدات علمی بگذارد. به همین دلیل، ضرورت بازنگری و بهبود این خط‌مشی‌ها با استفاده از رویکردهای علمی و مبتنی بر شواهد، بیش از پیش احساس می‌شود. در همین راستا، پژوهش‌های کاربردی با تمرکز بر جنبه‌های حقوقی، اقتصادی و مدیریتی می‌توانند نقشی کلیدی در بهبود سیاست‌گذاری‌ها و رفع این چالش‌ها ایفا کنند که موضوعات پیشنهادی زیر، در قالب طرح‌های پژوهشی دستگاهی یا تقاضامحور، می‌توانند در شناسایی بیشتر مشکلات و چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب و قابل اجرا راه‌گشا باشند:

۱. بررسی تطبیقی مدل‌های مالکیت فکری در دانشگاه‌های ایران و کشورهای پیشرو:

پژوهش درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های خط‌مشی‌ها و آیین‌نامه‌های مالکیت فکری میان دانشگاه‌های ایرانی و سایر کشورها، می‌تواند به تبیین نقاط ضعف و قوت مدل‌های بومی کمک کند. این بررسی می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح سیاست‌های ملی باشد.

۲. تحلیل حقوقی تعارض میان قوانین ملی و آیین‌نامه‌های داخلی دانشگاه‌ها: پژوهش در

این حوزه می‌تواند به شناسایی تعارض‌های احتمالی میان قوانین ملی، نظیر قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و آیین‌نامه‌های داخلی دانشگاه‌ها بپردازد، راهکارهایی برای حل این تناقض‌ها پیشنهاد دهد.

۳. مدل‌سازی اقتصادی برای تعیین سهم عادلانه دانشگاه و اعضای هیئت علمی: طراحی

مدلی مبتنی بر داده‌های واقعی برای تعیین سهم هر طرف که می‌تواند مبنایی برای تدوین قراردادهای همکاری در دانشگاه‌ها باشد. این مدل می‌تواند نقش انگیزشی پژوهشگران را تقویت کند.

۴. ارزیابی تأثیر خطمشی‌های فعلی بر انگیزه پژوهشگران: پژوهشی جامع درباره تأثیر سیاست‌های موجود بر انگیزه و عملکرد پژوهشگران می‌تواند به اصلاح رویکردها کمک کند.
۵. طراحی سازوکارهای جایگزین برای حل اختلافات مالکیت فکری: ارائه چارچوب‌های جایگزین یا بهبود فرایندهای حل اختلاف، مانند کمیته‌های داوری مستقل می‌تواند نقش مؤثری در کاهش تعارض‌ها داشته باشد.

همان‌گونه که گفته شد انجام این پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های تطبیقی، کمی و کیفی و در تعامل با نهادهای ذی‌ربط، می‌تواند به سیاست‌گذاری بهتر و ارتقای نقش دانشگاه‌ها در مدیریت مالکیت فکری منجر شود.

فهرست منابع

- رضایی، ابوالفضل (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی حقوق مالکیت فکری آثار دانشگاهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۲). مجموعه قوانین و مقررات حقوقی ۱۴۰۲ (جلد ۲). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۸). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: انتشارات سمت.
- صادقی، محمود؛ رضایی، ابوالفضل؛ شهبازی نیا، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی حقوقی مالکیت آثار دانشگاهی. *سیاست علم و فناوری*، ۳(۴)، ۴۱-۵۶.
- گودرزی، مهدی و اسماعیلی، الهه‌السادات (۱۳۹۲). مدیریت دارایی‌های فکری در پژوهشگاه‌های دولتی ایران: یک مطالعه چندموردی. *رهیافت*، ۲۳(۵۵)، ۳۳-۵۱.
- گودرزی، مهدی؛ خطیبی، عبدالنبی؛ خلیل‌زاده، نیلوفر (۱۳۹۳). تحلیل فعالیت‌های پژوهشی انجام شده در حوزه مالکیت فکری ایران. *مدیریت توسعه فناوری*، ۲(۴)، ۱۳۵-۱۵۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۹). پیشنهاد سازوکار اجرایی برای تعیین مالکیت دارایی‌های فکری حاصل از تحقیق و توسعه با منابع دولتی و تسهیل تجاری‌سازی آنها (در اجرای تبصره «۲» ماده (۱۷) برنامه پنجم توسعه).
- ندیرخانلو، سمیرا؛ گودرزی، مهدی؛ موسوی، آرش؛ ابویی اردکان، محمد؛ قاضی نوری، سیدسپهر (۱۴۰۰). چارچوب خطمشی مالکیت فکری در پروژه‌های تحقیق و توسعه مشارکتی. *مدیریت توسعه فناوری*، ۹(۳)، ۹۹-۱۳۵.

Belderbos, R., Cassiman, B., Faems, D., Leten, B. & Van Looy, B. (2014). Co-ownership of intellectual property: Exploring the value-appropriation and value-creation implications of co-patenting with different partners. *Research Policy*, 43(5), 841-852. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.respol.2013.08.013>

- Delerue, H. (2018). Shadow of joint patents: Intellectual property rights sharing by SMEs in contractual R&D alliances. *Journal of Business Research*, 87, 12-23. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.02.002>
- Françon, A. & Ginsburg, J. C. (1985). Authors' Rights in France: The Moral Right of the Creator of a Commissioned Work to Compel the Commissioning Party to Complete the Work. *Colum.-VLA J. L. & Arts*, Article 381. https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/3798
- Garon, J. M. (2018). Ownership of University Intellectual Property. *Cardozo Arts & Entertainment Law Journal*, 36(3). <https://ssrn.com/abstract=3431752>
- Garon, J. M. & Ziff, E. D. (2011). The Work Made for Hire Doctrine Revisited: Startup and Technology Employees and the Use of Contracts in a Hiring Relationship. *Minnesota Journal of Law, Science & Technology*, 12(2). <https://scholarship.law.umn.edu/mjlst/vol12/iss2/5>
- George Mason University. (2008). *Copyright in University Works*. George Mason University. Retrieved September 01 from <https://universitypolicy.gmu.edu/policies/copyright-in-university-works/>
- Hvide, H. K. & Jones, B. F. (2018). University Innovation and the Professor's Privilege. *American Economic Review*, 108(7), 1860-1898. <https://doi.org/10.1257/aer.20160284>
- McCombes, S. & George, T. (2022). *How to Write a Research Proposal | Examples & Templates*. Scribbr. Retrieved September 15 from <https://www.scribbr.com/research-process/research-proposal/>
- Regulations on the Structure and Policy of Intellectual Property and Innovation in Medical Sciences Universities of the Country, (2019).
- Nelsen, L. (1998). The Rise of Intellectual Property Protection in The American University. *Science*, 279(5356), 1460-1461. <https://doi.org/10.1126/science.279.5356.1460>
- Pila, J. (2010). Who Owns the Intellectual Property Rights in Academic Work? *European Intellectual Property Review*, 2010, 609-613. <https://ssrn.com/abstract=1618172>
- Reid, T. (2004). Academics and Intellectual Property: Treading the Tightrope. *Deakin Law Review*, 9(2). <https://classic.austlii.edu.au/au/journals/DeakinLawRw/2004/32.html>
- Sápi, E. (2024). Authors' Moral Rights in the Digital Environment. *Journal of Digital Technologies and Law*, 2(1), 141-162. <https://doi.org/10.21202/jdtl.2024.8>
- University of Melbourne. (2022). *Copyright ownership at the University of Melbourne*. University of Melbourne. Retrieved September 02 from <https://copyright.unimelb.edu.au/shared/basic-principles-of-copyright/copyright-ownership-at-the-university-of-melbourne>
- University of Queensland. (2021). *Copyright and teaching*. University of Queensland. Retrieved September 02 from <https://web.library.uq.edu.au/library-services/copyright/copyright-and-teaching>
- University of South Australia. (2016). *Intellectual Property: Ownership and Management Policy*. University of South Australia. Retrieved September 02 from <https://i.unisa.edu.au/policies-and-procedures/university-policies/research/res-22/>

- University of Tasmania. (2018). *Intellectual Property Policy*. University of Tasmania. Retrieved September 02 from https://www.utas.edu.au/__data/assets/pdf_file/0007/1457746/4.3-Intellectual-Property-Policy.pdf
- Vacca, R. (2017). Work Made For Hire -- Analyzing the Multifactor Balancing Test. *Florida State University Law Review*, 42(1). <https://ir.law.fsu.edu/lr/vol42/iss1/8>
- Policies and Regulations of Intellectual Property Rights in Scientific and Research Institutions, (2023). <https://isc.ac/file/download/page/1683695895-khatmashi-hoghoghe-malekiyate-fekri.pdf>
- Woodcock, J. (2018). Digital Labour in the University: Understanding the Transformations of Academic Work in the UK. *tripleC: Communication, Capitalism & Critique. Open Access Journal for a Global Sustainable Information Society*, 16(1), 129-142. <https://doi.org/10.31269/triplec.v16i1.880>
- World Intellectual Property Organization. (2023). *IP Policies for Universities and Research Institutions*. World Intellectual Property Organization. Retrieved January 11 from <https://www.wipo.int/technology-transfer/en/ip-policies.html>

Literary Property Rights Governing the Results of Research Projects in Iran

Safar Beigzadeh Arough^{*1}

Assistant Professor, Department of Research on Information Ethics and Law, Institute for Society and Information, Iran Information Science and Technology Research Institute (IRANDAC), Tehran, Iran

Abstract

This study aims to elucidate the regulations governing the ownership of research projects. It examines the existing legal framework in Iran and, where relevant, explores measures and approaches adopted by other countries. The research employs a descriptive-analytical method, striving to analyze the subject matter through a comparative lens. The findings indicate that, despite the recognized necessity, the Iranian legislative system has yet to address this issue comprehensively and specifically. Consequently, the determination of intellectual property rights in academic works has been delegated to two relevant ministries (the Ministry of Science, Research and Technology, and the Ministry of Health), resulting in the issuance of two separate regulations. However, these regulations have failed to create clarity, leaving room for universities to assert their rights arbitrarily. As a result, the intellectual property rights of faculty members remain ambiguous, and inconsistencies in determining the share of literary ownership across Iranian universities are evident. This study recommends that the Iranian Parliament take legislative action to address the issue with precision and clarity.

Keywords: Intellectual property, Faculty members, Academic works, Iran.

1. Corresponding Author: s.sabaa@yahoo.com